



پیشینه

«تاریخ شفاهی» عنوان سه‌ل و متنوعی است که این روزها با توجه به تطابق زمانی با ایام دفاع مقدس سوم و لزوم ایجاد پرداختن بسه روایت‌ها و خاطره‌های افراد مختلف -بالاخص مردم عادی که روایتگر شسرابط ویرازی از جنگ از جمله اتحاد و مقاومت هستند- بیشتر مورد توجه قرار گرفته و عموماً در تجمعات شبانه و یا در یادبان و در سطوح تخصصی و پژوهشی و تحقیقاتی نیز شاهد هستیم که تولیدات رسانه‌ای و مکتوبات متعددی از این‌گونه روایت به وجود آمده که متأسفانه بعضاً و قریب به اکثریت، دارای نکات علمی و الزامی برای این نوع تاریخ نگاری و مستندسازی نیستند؛ بدیهی است! باهرغم نیاز نحوه و روند تولید در آتی می‌تواند فرآیند بازگویی تاریخ معاصر و ادبیات ویژه آن را تحت‌الشعاع قرار داده و همراه با آسیب‌هایی از جمله اصالت روایت، مبنا، شواهد، ارجاعات، مستندات و… سازد. پیش از آغاز جنگ موسوم به جنگ رمضان، طی مصلبی با عنوان «تاریخ شفاهی علم اکتسابی یا اکتشافی» با طرح موضوع چیستی و چگونگی تاریخ شفاهی به شکالک و ساختار وجودی این مهم پرداختیم که در این فرصت به دلیل اهمیت زمانی و نیاز مخاطب به آشنایی بیشتر از آنچه که در آنجا بازگو شده، ضمن بازخوانی کلیات بختر اول، بخش دوم را نیز بی خواهیم گرفت. درخشی اول چنین ذکر شد:

طهور و بروز بدیدیاه به نام «دفاع مقدس» که مبتنی بر باورهای ملی و ارزش‌های دینی- انقلابی بود بعضی از مفاهیم تاریخی و ادبی را در ایران دچار تحولات اساسی کرد و بر اساس این تحولات، این مفاهیم در مرحله اول، از بعد تاریخی- اجتماعی و در مراحل بعد، از منظر علمی- ادبی و هنری به اقتضای نیاز، بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. همچنین اشاره داشتیم به پیشینه مختصری از تاریخ شفاهی که گرچه نوعی از تاریخ نگاری تحت عنوان «تاریخ شفاهی» پیش از این نیز در فعالیت مورخان و نویسندگان قرار داشت، اما دفاع مقدس هشت‌ساله پنجره‌ای شد با وسعت بی‌نهایت برای کشف اسانهایی معاصر(زرمندگان) و اندیشه‌های آنها- در چارچوب ویژگی‌های سرزمینی ایران از زوایای مختلف قابل کشف- که تلاش‌های مستمر و ارزشمند و پر زحمتی برای این اکتشافات از سوی دغدغه‌مندان حوزه تاریخ شفاهی تاکنون صورت گرفته، تا به آنجایی که در آن نوع این تلاش‌ها با دسته‌بندی‌های مختلفی که در حقیقت به وجود آمده تعبیر به «علم خاص» نیز شده است. در ادامه با گذر از صورت ظاهری تاریخ شفاهی و کتب منتشر شده این حوزه، به ویژگی‌های ظاهری و طراحی جلد این کتب، نسبت‌های تاریخ شفاهی با فلسفه و نظریه‌های علمی، تعادل در اثر تاریخ شفاهی، لحن گفتار و نوشتار، سرنوشت تاریخ شفاهی- و پرداختیم و ذیل این تعمق در تاریخ شفاهی، ذکر شد که «پیش از تاریخ شفاهی



نام حسین بن علی(علیه‌الصلاة والسلام) دل‌ها را مثل مغناطیس به خود جذب می‌کند.

امام حسین خورشیدی فروزان و برنور و ابدی و یاران و اصحاب‌شان فدakarترین و ایثار گزرتین و نمونه‌ترین آسان‌ها هستند و نهضت و قیام‌شان بزرگ‌ترین و بزرگ‌ترین و بنظیرترین و جاودانه‌ترین در تاریخ است. امام حسین و شهادی کربلا بزرگ‌ترین قهرمانان عرصه امر به معروف و نهی از منکر هستند و عاشورا، یک واقعه استثنایی و یک موضوع تمام‌شدنی و همیشگی است.

شهاد، شاگردان نهضت حسینی و ادامه‌دهندگان راه امام حسین و عاشورا و کربلا هستند.

شهید ناصر ایدام شاگرد پیشتاز مکتب اباعبدهالله الحسین و نخستین شهید امر به معروف و نهی از منکر کشور است که در ۳۰ شهریور ۱۳۶۹ در مسیر نماز جمعه و در راه امر به معروف و نهی از منکر با بدن اربا آریا به شهادت رسید و توسط رهبر شهیدمان حضرت آیت‌الله سیدعلی حسینی خاتمه‌ای به‌عنوان نخستین شهید امر به معروف و نهی از منکر کشور یاد گردید.

پاسدار رشید و جان‌برکف و سرافراز اسلام شهید ابوالفضل ایدام از جمله نخستین شهیدای جنگ ۱۲روزه است. ایشان محافظ سردار شش‌لکر پاسدار حسین لاشمی فرمانده شهید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند که در نخستین دقیق جنگ ۱۲روزه و

بعضی رشته‌های تاریخی و سبک‌های روایی به دلیل عدم همخوانی با نیاز جامعه و عدم وجود قدرت در بیان شدن، در بسستر تاریخ به فراموشی سپرده شدند؛ لذا سوآلی که پیش می‌آید این هست که آیا تاریخ شفاهی هم به این سرنوشت دچارخواهد شد؟ یعنی به چرگه رشته‌هایی خواهد پیوست که رفته‌رفته کم‌رنگ می‌شوند؟ با وجود مطرح شدن بعضی از اظهارنظرها درخصوص بین‌رشته‌ای بودن «تاریخ شفاهی» و با توجه به سوانقی از جمله تغییر شکل پیدا کردن یا کم‌رنگ شدن که برای بعضی از رشته‌های میان رشته‌ای در بسستر رسانه‌های مدرن امروز و اقتضات آن به وقوع پیوسته، این شبهه و سوآل به وجود می‌آید که آیا تاریخ شفاهی هم در دچارشدن به این موضوع (رسانه‌ای شدن) می‌تواند به همان سرنوشت مبتلا شود.

حالا در ادامه و در بخش دوم این مطلب، به ضرورت زمان جنگ و لزوم آشنایی قاطبه مردم و همین‌طور قشر جوان علاقمند که در محافل و مجالس مختلف به ویژه در محافل دانشگاهی پرسش‌های را در این زمینه مطرح می‌کنند؛ بحث را در حوزه نظری تاریخ شفاهی بی می‌گیریم.

۳۰ شهریور ۱۴۰۴ پدر شهیدان ایدام گفت‌وگویی با خبرگزاری آنا داشت که گزیده‌ای از صحبت‌هایش چنین است:

بدرمدام در مسیر مسجد و هیئت بود و کمک‌حال مردم بود. - شه‌دا الگوی جوانان و نوجوانان هستند و با الگوبری از شه‌دات است که می‌شود مسیر مقدس آنان را ادامه داد. - کسی که می‌خواهد کار واقعی انجام دهد، به‌امیرمؤمنان حضرت علی(علیه‌السلام) بنگرد، کسی که طالب حق است، به نبی مکرم اسلام(صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم) نگاه کند و الگو بگیرد و شهدا نیز راه امیرمؤمنان و پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم) را رفتند. - شهدا الگوی جوانان و نوجوانان هستند. - شناخت جبهه حق و باطل منوط به شناخت شه‌دات.

- شه‌دا مسیر حق را شناختند و در پی آن رفتند و در نیمه راه نماندند و در نهایت به اوج رسیدند، بنابراین می‌توانیم با این ستاره‌ها در این دنیای و انفسا جبهه حق و باطل را تشخیص دهیم و هر کس راه شهدا را رفته، می‌توان آن را مورد استقبال قرار داد.

شهادی دفاع از ارزش‌ها و امنیت کشور
خاتم خدای، مادر شهیدان ایدام، یک بانوی اهل‌بیتی بود که از همان ابتدا فرزندان‌ش را به مسجد می‌برد و آنها را پای روضه امام حسین(ع) بزرگ می‌کرد، به این ترتیب همگی حسینی سرشته شده و رشد و تربیت یافتند. مدتی پیش و در نخستین روزهای سال ۱۴۰۵، بانو خدایای عروج نمود و به فرزندان شهیدش پیوست. ۳ فروردین ۱۴۰۵، عباسعلی رضایی مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران بزرگ در پیامی درگذشت مادر شهیدان ایدام را تسلیت گفت. در این پیام آمده است: «این بانوی فداکار و بزرگوار، با تاسی به مکتب اهل‌بیت(علیه‌السلام) و الهام از سیره نوانی حضرت فاطمه زهرا(س)، عمر بپرکت خویش را در مسیر ایمان، صبر و تربیت فرزندان مؤمن، انقلابی و ایثارگر سیری نمود و با تقدیم بزرگ‌ترین سرمایه‌های زندگی خویش در راه اسلام و انقلاب، نامی ماندگار در زمره مادران صبور و پرافتخار این سرزمین از خود به یادگار گذاشت.

در حمله هوایی رژیم غاصب و کودک‌کش و تروریست صهیونیستی در بمباد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، به ستاد فرماندهی سپاه، به همراه سردار سلامی و تعدادی از محافظان و همکاران سردار در حین انجام مأموریت حیناس پاسداری از امنیت ملت و کشور به شهادت رسیدند و «هند ربهیم برزقون» گردیدند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید ابوالفضل ایدام این بود که هر جا می‌رفت سعی می‌کرد یادواره شهدا برپا کند

مخصوصاً در دورافتاده‌ترین نقاط. برای برادر شهیدش نیز فعالیت‌های گسترده فرهنگی و تبیینی و جهادی و شهادی انجام می‌داد. بسا همکاری و پیگیری‌های ایشان چندین مقاله و گزارش در مورد شهید ناصر ایدام در سال‌های مختلف در روزنامه کیهان منتشر گردیده است.

خاوند متعال عنایت ویرزاهی به خانواده شهیدان ایدام نموده و دو پسری که دارند، عظیم‌ترین و زیباترین و متعالی‌ترین شهادت‌ها روزی‌شان گردیده است.

به مناسبت ۳۰ شهریور سالگرد شهادت ناصر ایدام، یادی می‌کنیم از شهیدان ایدام.

شهاد راه امیرمؤمنان و پیامبر اکرم را رفتند

آقای حبیب ایدام پدر شهیدان ناصر و ابوالفضل ایدام، یک شهید زنده و مجاهد نستوه و جانباز ۵۰ درصد جنگ تحمیلی هستند که بدن‌شان پر از ترک شمشید و همچنین شهید سردارار حسین سلامی است و مجاهدات کرده است.

شکل و ماهیت و کم‌رنگ شدن است و حتی امکان دارد به این نتیجه در طول تاریخ برسیم که گویا تاریخ شفاهی خالی از تولید نظریه برای بقای خودش است!

بررسی اجمالی این موضوع می‌تواند تابع این حقیقت روشن باشد که تاریخ شفاهی به صورت عملی خارج از معیارهای جدی و در چارچوب ابتکارا فردی و با تکیه بر زبان ادبی و داستانی خود را بازنامی می‌کند.

حقیقت و واقعیت پدیده‌های روایی

اولین نکته حائز اهمیت آن است که در تاریخ شفاهی بتوان یک آشنایی روشن و بدون ابهام برای ذهن مخاطب درساره موضوع مورد بحث تاریخ شفاهی ایجاد کرد؛ به سوری که مخاطب این پدیده را بسا تمام ابعاد وجودی بشناسد؛ مثال‌های متعددی از کتب تاریخ شفاهی وجود دارد که راوی به دلیل تعلق به یک بعد از یک واقعه نتوانسته است منتقل‌کننده دقیق تاریخ باشد و ای بسا که مؤلف نیز در مقابل انتقاد به این نقیصه واکنش‌های منفی از خود نشان داده؛ لذا بیان کلی این مسئله مهم است که تاریخ شفاهی باید در حقیقت و واقعیت وجودی پدیده‌های روایی متنبور و تجلی یابد.

هر همین اساس لازم است مؤلف و راوی در موضوع تاریخ شفاهی ضمن احاطه و تسلط بر چارچوب و شاکله اصلی تولید محتوا قدرت مواجهه با جنبه‌های انتقادی را نیز دارا باشد که به طور مثال آن چیزی که بیشتر گریبانگیر تولیدکنندگان محتوا در حوزه تاریخ شفاهی است، محبت انتقال لحن راوی و یا شاهدین است که از یک دستنی و یا قدرت انتقال لهجه برخوردار نیستند؛ لذا متن در خواش و یا در انتقال مفاهیم دستت خوش عدم ادراک در نزد مخاطب می‌شود؛ چرا که در نهایت تاریخ شفاهی اگر چه نقطه تکاملی بیان تاریخ نیست اما می‌تواند مخاطب را در مسیر تکامل و آگاهی و روشنی قرار بدهد.

اعتماد و اعتبار تاریخ شفاهی

به دلیل چالش‌های مختلفی که عموماً در محیط‌های فرهنگی و پژوهشی وجود دارد به طور قطع تاریخ شفاهی باید بتواند اپیروی از نظریه‌های علمی حوزه خود، مفاهیم موجود و در معرض بحث و تعریف مجدد براساس دانشنامه‌های موجود و یا در دست تهیه قرار بدهد؛ چرا که امکان دارد در آتی با چالش معروف و قابل طرحی که عمدتاً گفته می‌شود تاریخ شفاهی را نباید به عنوان منبع مطرح کرد ربه‌رو می‌شوند.

استندالاطر فاداران این نظریه «عدم معرفی تاریخ شفاهی به عنوان منبع» همواره این بوده که این نوع منبع به دلیل ویژگی‌هایی که دارد قابل اعتماد نیست. البته این نوع انتقاد به تاریخ شفاهی را اگر در نسبت تاریخ شفاهی با فلسفه تاریخ و یا گزارش‌های عام تاریخ بسنجیم و پاسخ بدهیم به‌طور قطع نوع انتقاد صورت گرفته خود می‌تواند تبدیل به تسلسل نقد در مقابل نقد شود که به این ترتیب امری دوری و پایان‌ناپذیر برای این منتخبی از این صحبت‌ها را از نظرات می‌گذرانیم:

- درباره ارتباط آقا ابوالفضل با سردار سلامی باید بگوییم که این رابطه اصلاً یک رابطه خشک فرامنده و نیروی تحت امر نبود، بلکه یک عشق و ارادت قلبی و عمیق بود. همسرم به قدری حاج آقا را دوست داشت که همیشه با اشتیاق خاصی از ایشان صحبت می‌کرد. یکی از بارزترین ویژگی‌هایی که آقا ابوالفضل همیشه بعد از سردار تعریف می‌کرد، تواضع و فروتنی بی‌نظیر ایشان بود.

- حضور در کنار خانواده شهدا یکی از برنامه‌های ثابت و البته دغدغه‌های قلبی سردار سلامی بود. جالب است و بدین حد همسر من، آقا ابوالفضل، عاشق شرکت در کنگره‌ها و یادواره‌های شهدا بود. همیشه به همکاری در تیم حفاظت می‌گفت که هر مأموریتی که مربوط به دیدار با خانواده شهدا یا برگزاری یادواره است را به من محول کنید تا بتوانم در کنار حاجی در این مراسمات شرکت کنم. در این دیدارها، آقا ابوالفضل شاهد صحنه‌های بسیار تکان‌دهنده و عاطفی از برخورد سردار با یادگاران شهدا بود که همیشه با بغض آن‌ها را برای من تعریف می‌کرد.

- همسر نقل می‌کرد که وقتی برای سرکشی به منزل شهیدای می‌رفتم که فرزندان خردسال و کوچکی داشتند، حالت روحی سردار کاملاً دگرگون می‌شد. ایشان در طول مدت حضور در منزل شهید و در مقابل چشم خانواده و همسر شهید، با صلابت و مهربانی رفتار می‌کردند و با تمام توان سعی می‌کردند بغض خود را کنترل کرده و به زور خودشان را نگه می‌داشتند تا خانواده احساس ضعف یا ناراحتی رضایی مدبرکل آن‌ها روحیه می‌دادند. اما به محض اینکه دیدار تمام می‌شد و از درب خانه شهید خارج می‌شدیم، اوضاع کاملاً تغییر می‌کرد. آقا ابوالفضل می‌گفت: همین که پایمان را از خانه بیرون می‌گذاشتیم و وارد آسانسور، کوچه یا ماشین می‌شدیم، سردار سلامی دیگر نمی‌توانستند خود را کنترل کنند و به شدت شروع

به گریه می‌کردند. ایشان با چشمانی اشکبار و لحنی پر از درد به محافظان می‌گفتند: «من جگرم برای این بچه‌های معصوم کباب است که در این سن کم، سایه یادگار گذاشت.

رابطه عاشقانه و قلبی و عمیق شهادی

۲۳ خرداد ۱۴۰۵، سرکار عزیز زهرا همتی، همسر مکرمه شهید ابوالفضل ایدام، در مصاحبه‌ای مفصل با خبرگزاری تسنیم از فضائل و ویژگی‌های ممتاز همسر شهیدش و همچنین شهید سردارار حسین سلامی صحبت کرد.

نوع مواجهه با نقد در تاریخ شفاهی متصور است؛ اما با این وجود، بر تولیدکنندگان محتوای تاریخ شفاهی الزام است که بر اصالت نقد و حتی نقد ارجاع به منبع نیز توجه داشته باشند و تا حد نهایی و ممکن بر اثبات صحت و اتقان روایات به روش‌های شناخته شده تجربی و علمی و ابتکار ی اهتمام داشته باشند.

نظریه مقاومت

تاریخ دفاع مقدس دارای نقطه قوت بالقوه و بالفعلی برای تبدیل شدن به یک پدیده منحصربه‌فرد است که حتی با فرض اینکه در حوزه تاریخ شفاهی تولید نظریه صورت نگرفته، اما درنمایه، ماهیت و ادبیات دفاع مقدس این اجازه را می‌دهد که به طور خاص تاریخ شفاهی دفاع مقدس با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی تابع اصول اعتقادی و اخلاقی شود که در مجموع، این مواجه خود می‌تواند شکلی از یک نظریه را در ذهن متبادر سازد.

به طور مثال مواجه در مورد شهید، در مورد ایمان، در مورد تعهد، در مورد تخصص، در مورد آتش به اختیار، در رابطه با عناصر تشکیل‌دهنده دفاع مقدس و یا اینکه مباحث اعتقادی از جمله هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و خیلی مباحث دیگر قابل اثبات، البته امکان دارد این نظریه با نقد متقابل ربه‌رو شود که آن هم «شعاری» بودن می‌تواند باشد؛که برای آن هم پاسخ‌های وجود دارد. آنچه که مسلم است تابع این نوع دیدگاه‌بون(مقاومت) این امکان را به محقق و مؤلف می‌دهد که خود را دقیقاً در طول یک هدف معین براساس شکل‌گیری یک نظریه مثل



نشانه عشق ناب و باور عمیق اوست که برایم الهامبخش بود.

ما مدیون رشادت‌های شهدا هستیم و راهتان را تا ظهور حضرت مهدی(عج) با ولایت‌مداری ادامه خواهیم داد.

من یک پسر ۱۴ ساله هستم. خیلی از این شهیدان خوشم آمدن اشالله در زندگی من نیز مثل آنها باشم. خوش به حال خانواده‌شان که چنین فرزندان را تربیت کردند که در راه دین و اسلام جان‌شان را فدا کردند. ان‌شالله در قیامت مرا شفاعت کنند. خدا را شکر می‌کنم که خدا این لطف را شامل حال من کرد که با آنها آشنا بشوم و بیشتر در موردشان بدانم. ان‌شالله من و خانواده‌ام را نیز پیش اباعبدهالله شفاعت کنند و سلام مرا به آقا امام حسین(ع) و آقا امام رضاع) برسانند. اللهم عجل لولیک الفرج.

سلام بر شما دو ستاره درخشان!

به‌ما ماموختید که جوانی، غیرت و شهادت در یک مسیر جمع می‌شود. به خانواده صبوران درود می‌فرستم و امیدوارم ما هم شاگردان راستین مکتب شما باشیم.

غیرت شهیدان ایدام بر روی حجاب را بیشتر از همه پسندیدیم زیرا حجاب نه تنها در الان بلکه در زمان‌های گذشته هم که حجاب بیشتر از الان حفظ می‌شد یک مسئله مهمی حساب می‌شد و همه شهدا جان‌شان را فدای سرزمین و یادگار مادرشان حضرت زهرا(س) کردند و حتی یک کلمه از اینکه جان‌شان را فدا می‌کنند به روی کسی نیاوردند.

به فرزندان شهید شما می‌گوییم شهادت‌تان مبارک. من در پشت جبهه باید با نگه داشتن یادگار مادرم حضرت زهرا از شهیدان سیاس گذار باشم و



صفحه ۱۱

دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۵

۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۲۴۰



به طور عمومی به دلیل اثبات اطلاعات کسب‌شده در مصاحبه‌ها که از قِبل گفت‌وگوهای خاص با فعالان سیاسی و با رزمندگان حوزه مقاومت برای مصاحبه‌کننده و یا مؤلف و نویسنده به دست آمده، احساس اشتراک‌گذاری این اطلاعات بین فعالان حوزه تاریخ شفاهی افزایش یابد که یا از باب انتقال تجربه فردی است که در مواجهه‌ای مختلف به دست آمده و یا از باب ولع برای نشر اطلاعات دست اول، همانند نگارگران که در طی مراحل و فرآیند انجام تاریخ شفاهی خلق شده.

دستینه

فارغ از ارزش‌گذاری این ابتلا به طور معمول بهترین روش برای چنین مواقعی که موضوع مبتلایی برای تقریباً تمام فعالان حوزه تاریخ شفاهی است، ایجاد یک دستینه برای نگارش تجربیات، راهکار مناسبی می‌تواند باشد تا بتوان آن را در فرصت مناسب تبدیل به یک اثر مدون قابل انتقال و علمی جهت استفاده در مباحث نظری و دانشگاهی کرد.

از آنجایی که بعضاً ابهامات و سوآلات و نقدهایی بر تاریخ شفاهی به عنوان محل تردید به عنوان یک منبع معتبر است؛ لذا ابهاماتی نیز چه به عنوان تاریخ و چه به عنوان فلسفه و تاریخ و مباحث مشابه به آنرا وجود دارد؛ بر همین اساس دستینه‌های مبتنی بر تجربه می‌تواند پاسخگوی چالش‌های ذهنی و با اطلاعاتی برای مخاطبین و کسانی که تازه با در این عرصه می‌گذارند، باشد؛ در واقع به این طریق فعال عرصه تاریخ شفاهی می‌تواند ناظر به هر اثر (پیش‌رو از جمله مصاحبه، روایت، سند و…) باشد و با عینیت بخشی به ماهیت و واقعیت موجود به پیش برود.

نقد تکتتر و شتاب‌زدی در تولید اثر

این رویکرد گرچه در طول تولیدات تاریخ شفاهی سهولت انجام کار و حتی امکان علمی‌سازی انتقال تجربه را دارا است؛ اما می‌تواند شتاب‌زدگی را نیز برای کسانی که تجربه کافی در این عرصه را ندارند به وجود آورد که در این صورت اصل و اساس اثر تولید شده همراه با آسیب‌های جدی روایی و استنادی خواهد بود. منتقدین و کارشناسان باورق این آسیب و عبور از شتاب‌زدگی، نقد پیش از انتشار را مؤثرترین گزینه می‌دانند که آثار تولیدشده باید پیش از انتشار به طور حتم در اختیار یک کارشناس برجسته و یا منتقد قرار داده شود تا ضمن رفع اشکالات به وجوه علمی و استنادی و اعتباری نیز توجه شود. رسیدن به این نقطه معقول گرچه با توجه به بازاری‌شدن آثار تولید شده و کتاب‌سازی‌های گسترده و توجه اقتصادی محور به این‌گونه نشر، بسیار مشکل و دور از انتظار شده؛ اما اگر میلی از سوی تولیدکننده اثر به کمال در اثر تولیدشده تاریخ شفاهی هست؛ باید برای نهاده‌نه شدن «تقد قبل از انتشار» اهتمام ویژه‌ای و بورزد و آن را به دلیل آنکه با جامعه و با تاریخ مورد قضاوت قرار خواهد گرفت در معرض توجه جدی و بنیادی قرار بدهد...

با چادرم پشتیبان جبهه جنگی باشم که کشور ما در آن بی‌تقصیر است.

نقش من به عنوان یک دختر ایرانی این است که بسا الگویی همچون این شهید بزرگوار و تمام شهیدان و حضرت فاطمه زهرا(س) دختری شجاع و درس خوان باشم و با سعی و کوشش و تلاشم قول می‌دهم در پیشرفت ایران آینده فزید باشم و تا پای جانم برای ایرانم باشم و با خانواده‌ام همیشه در تجمعات هستیم و همچنین با حضور در خیابان به وطن‌فروشان می‌گویم که تا پای جان برای آرمان‌های ایران ایستادی می‌کنم و هرگز نمی‌گذارم که ذراهی از خاک وطنم دست دشمن آمریکایی و صهیونیستی و آدم‌های وطن‌فروش بيفتد.

واقعاً زندگی‌نامه دو شهید بزرگوار خواندنی و جالب بود برام.

به نظرم باید همیشه زندگی‌نامه شهدا را بخوانیم

و از آن درس بگیریم.
خوش به سعادت تک‌تک‌شون که این‌قدر پیش خدا ارزش و اعتبار داشتن که به چنین مقام‌هایی رسیدند.

ایسن خانواده عزیز، با پرورش دو شهید بزرگوار، علاوه‌بر اینکه درخت انقلاب اسلامی را کمالی کردند و به اسلام خدمت کردند، دو الگوی کامل ایثار و ازجان‌گذشتگی که هر قدمی که برمی‌داشتند، برای رضای خدا بود، به جامعه ارائه کردند، که از این جهت و ما امثال من مدیون این خانواده هستیم.

عجیب دلم گرفته. دلم دنیایی می‌خواهد درست شبیه دنیای شهیدان که همه چیزش روی خدا باشد. شهیدای ایدام از نظر اخلاقی و رفتار نوبوی کامل بودند.

زندگی‌نامه شهدا به من ماموخت که کارهای بزرگ، به جمعیت زیاد نیاز ندارد؛ بلکه به ایمان و اراده قوی نیاز دارد. همچنین فهمیدم که مسئولیت امر به معروف همگانی است و نباید از تذکر لسانی هراسی به دل راه داد. درس بزرگ دیگر این بود که حجاب، خط قرمز انقلاب اسلامی است و شهدا با خون خود بر این حقیقت نمایم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کورشدنی نیست و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهدان اقتدا خواهند نمود و همین تربت پاک شهیدان است و دارالشغای آزادگان خواهد بود. خوشا

که در حال آنان که با شهادت رفتند؛ خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باخندند؛ خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خاوندان، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما هم از وصل به آن محروم مکن. خداوند، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش.»